

شاہ تہا سب اقل

دکتر منوچہر پارسادوست



فهرست

پیشگفتار ۱۵

بخش اول

سالهای ناتوانی پادشاهی

فصل اول : شاه تهماسب و پادشاهی

تهماسب میرزای خردسال ۲۳

پادشاهی شاه تهماسب ۲۵

فصل دوم : شاه تهماسب در تلاش تثبیت قدرت

بخش دوم

شاه تهماسب و همسایگان

فصل اول : شاه تهماسب و ازبکان

انگیزه‌های حمله ازبکان ۵۵

حمله‌های عبیدخان ۵۹

| | |
|-----|----------------------------------|
| ۵۹ | حمله اول |
| ۶۱ | حمله دوم |
| ۶۷ | حمله سوم |
| ۷۳ | حمله چهارم |
| ۷۷ | نامه عیدخان به شاه تهماسب |
| ۸۰ | رژه سپاهیان شاه تهماسب |
| ۸۲ | نامه شاه تهماسب به عیدخان |
| ۸۵ | نقش صلح جویانه ابوسعیدخان ازبک |
| ۸۶ | حمله پنجم |
| ۹۳ | حمله ششم: آخرین حمله عیدخان |
| ۱۰۰ | مرگ عیدخان |
| ۱۰۱ | حمله‌های ازبکان پس از مرگ عیدخان |
| ۱۰۹ | سلطان عثمانی و ازبکان |

فصل دوم: شاه تهماسب و عثمانی

| | |
|-----|--|
| ۱۳۱ | پادشاهی سلطان سلیمان |
| ۱۳۴ | انگیزه‌های هجوم سلطان سلیمان به ایران |
| ۱۳۴ | ۱- صلح با فردیناند |
| ۱۳۵ | ۲- خطر اتحاد شاه تهماسب با اروپاییان |
| ۱۳۷ | ۳- علویان عثمانی و صفویان شیعه |
| ۱۴۴ | ۴- وظیفه مذهبی |
| ۱۴۶ | ۵- شوق کشورگشایی - تصرف بغداد و تبریز |
| ۱۴۷ | ۶- مشغول داشتن ینی‌چریان |
| ۱۵۰ | ۷- پناهندگی الامه سپهسالار آذربایجان به عثمانی |
| ۱۵۳ | ۸- پیشینه اختلاف‌های ایرانیان و تورانیان |
| ۱۵۳ | جنگ‌های بیست ساله عثمانی و ایران |
| ۱۵۳ | حمله اول سلطان سلیمان به ایران |
| ۱۵۹ | تاکتیک ویران کردن و کوچاندن |
| ۱۶۰ | نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب |

| | |
|-----|--|
| ۱۶۱ | برف در سلطانیه |
| ۱۶۵ | سلطان سلیمان در بغداد |
| ۱۶۷ | فتحنامه سلطان سلیمان |
| ۱۶۹ | حمله دوم |
| ۱۷۲ | حمله سوم |
| ۱۷۲ | آرامش طولانی پس از حمله دوم |
| ۱۷۵ | سرکشی القاس میرزا |
| ۱۷۸ | پناهندگی القاس میرزا به سلطان سلیمان |
| ۱۷۹ | نامه القاس میرزا به سلطان سلیمان |
| ۱۸۰ | لشکرکشی به ایران |
| ۱۸۳ | جنگ‌های حمله سوم |
| ۱۸۵ | تصرف تبریز و عقب‌نشینی |
| ۱۸۸ | حمله‌های متقابل شاه تهماسب |
| ۱۹۳ | حمله القاس میرزا به داخل ایران و کشته شدن او |
| ۲۰۱ | فتحنامه‌های سلطان سلیمان |
| ۲۰۳ | حمله‌های مجدد شاه تهماسب |
| ۲۰۶ | شاه تهماسب و پیشنهاد صلح از موضع قدرت |
| ۲۰۹ | حمله چهارم |
| ۲۰۹ | کشته شدن سلطان مصطفی به دستور سلطان سلیمان |
| ۲۱۱ | نامه سلطان سلیمان به هانری دوم پادشاه فرانسه |
| ۲۱۲ | نامه سلطان سلیمان به ترکمانان یقه |
| ۲۱۲ | نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب |
| ۲۱۴ | حمله‌های دو جانبه شاه تهماسب و سلطان عثمانی |
| ۲۱۶ | نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان |
| ۲۲۳ | انگیزه‌های برقراری صلح بین ایران و عثمانی |
| ۲۲۵ | تلاش‌های نخستین برای برقراری صلح |
| ۲۲۷ | مکاتبه بزرگان ایران و عثمانی |
| ۲۳۱ | نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب |
| ۲۳۳ | نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان |

| | |
|---|-----|
| هنرهای زیبا | ۸۶۰ |
| ۱- نقاشی و خوشنویسی | ۸۶۰ |
| ۲- موسیقی و آواز | ۸۶۴ |
| چگونگی زبان و ادب فارسی | ۸۶۷ |
| مهاجرت دانشوران و هنرمندان | ۸۸۱ |
| ثروت اندوزی و خست | ۸۸۸ |
| پایان: امروز نه آن باشیم که دیروز بودیم | ۹۲۵ |
| ضمائم | ۹۳۵ |
| منابع | ۹۶۵ |
| فهرست اعلام | ۹۹۱ |

فهرست تصاویر و نقشه‌ها

| | |
|--|-----------|
| نقشه استان قهستان و خراسان و قسمتی از سیستان | ۶۶ |
| نقشه استان جیحون و استان سیحون | ۸۷ |
| نقشه استان‌های شمال غربی و جزیره و آذربایجان | ۱۸۹ |
| نقشه قلمرو عثمانی در متتهای وسعت خود در آغاز قرن دهم هجری | ۲۳۹ |
| نقشه مناطق نفوذ قدرت‌های سیاسی در شرق نزدیک در سال ۱۴۴۸ میلادی | ۳۸۹ |
| نقشه امپراطوری مغولی هند و کشورهای همسایه | ۴۰۸ |
| تصویر عمارت چهل ستون قزوین | ۷۸۶ |
| تصویر زیارتگاه شاهزاده حسین قزوینی | ۷۸۷ |
| تصویر دستخط شاه اسمعیل اول | ۹۳۷ و ۹۳۶ |
| تصویر دستخط شاه تهماسب اول | ۹۳۸ |
| تصویر دستخط سام میرزا | ۹۳۹ |

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

ما ایرانی هستیم، و باید کشوری را که به ما موهبتها ارزانی داشته است دوست بداریم. نخستین تجلی علاقه به این سرزمین، دانستن تاریخ آن است. ایران در فراز و فرودهای گذرگاههای تاریخ با شادیهها و پیروزیها، و با غمها و شکستها همراه بوده است. مردم این سرزمین - پدران و مادران ما - برای حفظ این آب و خاکی که به ما سپرده‌اند در زیر ضربه‌های موجهای سنگین توفانهای تاریخی آسیبها دیده‌اند؛ در رویارویی با حوادث کمر خم کرده‌اند، ولی از پا نیفتاده‌اند. آنان سرانجام قد راست نموده‌اند و با نگاهی غمبار به گذشته، ولی با اراده‌ای استوار برای بهتر زیستن، به ساختن دوباره ایران پرداخته‌اند.

تاریخ، شناسنامه ملی ماست. همه آنچه را که در این سند نوشته شده است با علاقه و دقت بخوانیم و به علت‌های روشنیها و تیرگیهای روزگار این ملت کهنسال آگاه شویم. بدون شناخت گذشته، توضیح حال نارسا و نادرست خواهد بود.

اگر می‌خواهیم وضع امروز خود را به درستی بدانیم باید گذشته خود را بادقت و موشکافی مورد بررسی قرار دهیم و با تحلیل علمی آن بکوشیم خط‌های برجسته سیمای آن را معلوم داریم. ندانستن گذشته و یا نادیده انگاشتن آن راه امروز ما را به کجراه می‌برد و کوششهای ما را برای رفع

فصل اول

شاه تهماسب و پادشاهی

تهماسب میرزای خردسال

تهماسب میرزا پسر بزرگ^۱ شاه اسماعیل اول در صبح روز چهارشنبه ۲۶ ذیحجه ۹۱۹ هـ. (۲۲ فوریه ۱۵۱۴ م.) در قریه شهاباد از روستاهای اصفهان به دنیا آمد^۲، کنیه او «ابوالفتح»^۳ بود. ماده تاریخ تولد او در بیت زیر آورده شد:

چو در ملک وجود آمد برآمد به تاریخ «آفتاب عالم افروز»^۴

در اواخر ۹۲۱ هـ. اوضاع خراسان از بسیاری جهات آشفته و مردم آن سامان پریشان حال و درمانده بودند. لشکرکشیهای شاه اسماعیل و حمله‌های مکرر ازبکان به خراسان موجب ویرانی بسیاری از شهرها، به‌ویژه روستاها، و ناداری و آوارگی مردم آن ولایت شده بود. ازبکان در هجومهای خود، بسیاری از مردم شهرها و روستاها را می‌کشتند و اموال و چهارپایان آنان را غارت می‌کردند. زینل خان شاملو حاکم خراسان که مقر او در هرات بود توانایی دفع حمله‌های ازبکان و جلوگیری از تجاوزهای

آنان را نداشت. قحطی شدیدی که در اواخر ۹۱۹ هـ. در خراسان، به ویژه در ناحیه هرات روی داد درماندگی مردم و پریشان روزگاری آنان را به غایت رساند. مردم به خوردن گوشت سگ و گربه و سپس بدن مردگان پرداختند و چون قحطی ادامه یافت به کشتن یکدیگر مبادرت ورزیدند. گروهی از آنان، به ویژه ولگردان و اوباش در گذرگاههای خلوت کمین می کردند؛ کسانی را که از آن گذر می گذشتند می کشتند؛ سپس گوشت بدن آنان را می جوشانیدند و می خوردند و روغن بدن آنان را ذخیره می کردند.^۵

امیرخان موصلو حاکم قاین و دیوسلطان روملو حاکم بلخ در اواخر ۹۲۱ هـ. (۱۵۱۵ م.) به حضور شاه اسماعیل رسیدند و او را از عدم امنیت خراسان، خرابی روستاها و نداری رقت بار مردم آگاه ساختند. شاه اسماعیل برای رفع دشواریهای آن ناحیه و ایجاد دلگرمی در مردم آن سامان که با احساس امنیت به کشت و پیشه‌وری پردازند تصمیم گرفت پسر ارشد خود تهماسب میرزای خردسال را به حکومت خراسان بگمارد. تهماسب میرزا هنگامی که دو سال داشت به موجب فرمان پدر حکومت خراسان «از سرحد سمنان و دامغان تا کنار آب آمویه [رود جیحون]»^۶ را یافت. شاه، امیرخان موصلو را لاله او و امیرالامرای خراسان کرد و آنان را با سپاه کافی روانه شرق ایران نمود. شاه اسماعیل، امیر غیاث‌الدین محمد پسر امیریوسف را که مورد توجه و علاقه‌اش بود «منصب صدارت عالی و پیشوایی سادات و قضات و علما و فضلاء»^۷ خراسان داد و پس از مدتی نیز او را معلم تهماسب میرزا کرد.

تهماسب میرزا و امیرخان موصلو در ربیع‌الاول ۹۲۲ هـ. (آوریل ۱۵۱۶ م.) وارد هرات گردیدند. امیرخان با انتخاب وزیران ایرانی^۸ در ایجاد امنیت و آبادانی خراسان کوشید و مردم نیز که وجود پسر شاه در هرات را موجب پشتگرمی می دانستند به کار سازنده مشغول شدند.

در بهار ۹۲۷ هـ. (۱۵۲۱ م.) عبیدخان ازبک به خراسان تاخت و هرات را محاصره کرد. امیرخان به دفاع پرداخت. شاه اسماعیل نیز دورمیش خان شاملو خواهرزاده خود را به همراهی زینل خان شاملو و سپاهیان کافی به سوی خراسان اعزام داشت.^۹ پایداری

دلیرانه ایرانیان، ازبکان را از گشودن قلعه هرات بازداشت. آنان چون پی بردند که امکان تصرف هرات را نخواهند داشت ناگزیر پس از ۱۲ روز محاصره و حمله‌های مکرر، در ۲ رجب ۹۲۷ هـ. (۸ ژوئن ۱۵۲۱ م.) از محاصره دست کشیدند. عبیدخان پس از غارت روستاها و آتش زدن آنها به بخارا بازگشت.

در جریان محاصره هرات، دفاع یکی از باروهای مهم قلعه هرات بر عهده غیاث‌الدین محمد، صدر خراسان بود. در هنگام یکی از حمله‌های سنگین ازبکان به باروی بالا، غیاث‌الدین محمد از امیرخان موصلو کمک خواست، ولی او که وجود قدرتی را در قلمرو فرمانروایی خود بر نمی تافت، از اعزام نیروی امدادی دریغ ورزید. غیاث‌الدین محمد با شجاعت نگهبانان باروی خود و با تحمل دشواریها هجوم ازبکان را دفع کرد، ولی نارضایتی خود را آشکار داشت و تصمیم گرفت از امیرخان موصلو به شاه شکایت کند. امیرخان که از علاقه شاه اسماعیل به صدر خراسان آگاه بود، او را روز سه شنبه ۶ رجب ۹۲۷ هـ. (۱۲ ژوئن ۱۵۲۱ م.) - چهار روز پس از عزیمت ازبکان و ترک محاصره هرات - دستگیر کرد. امیرخان کلیه اموال و دارایی غیاث‌الدین محمد و «ملازمان و مصاحبان و منسوبان»^{۱۰} او را ضبط و مصادره نمود و روز بعد نیز او را کشت.

شاه اسماعیل پس از شنیدن خبر قتل غیاث‌الدین محمد، تهماسب میرزا و امیرخان موصلو را به تبریز احضار کرد^{۱۱} و فرزند دیگر خود سام میرزا را والی هرات نمود. او دورمیش خان شاملو را که از کودکی سام میرزا لاله او بود همچنان به للگی سام میرزا که در آن زمان چهار سال داشت برگماشت. تهماسب میرزا و امیرخان موصلو در روز پنجشنبه سوم صفر ۹۲۸ هـ. شهر هرات را به سوی تبریز پایتخت ایران ترک کردند.^{۱۲} تهماسب میرزا از آن پس تا مرگ پدرش در تبریز اقامت داشت.

پادشاهی شاه تهماسب

شاه اسماعیل اول در شب دوشنبه ۱۹ رجب ۹۳۰ هـ. (۲۴ مه ۱۵۲۴ م.) درگذشت. دیوسلطان روملو که در همان سال امیرالامرای سپاه شده بود و کپک سلطان امیر مقتدر

| | |
|-----|--|
| ۴۱۹ | انگیزه‌های شاه تهماسب برای پناه دادن به همایون‌شاه |
| ۴۲۵ | همایون‌شاه در هرات |
| ۴۲۸ | نامه همایون‌شاه و تقاضای زیارت مشهد |
| ۴۲۹ | همایون‌شاه در مشهد |
| ۴۲۹ | ایلچگیری بیرام‌خان، مشاور همایون‌شاه |

فصل دوم: همایون‌شاه و شاه تهماسب

| | |
|-----|--|
| ۴۴۵ | دیدار همایون‌شاه با شاه تهماسب |
| ۴۴۸ | سردی رابطه شاه تهماسب با همایون‌شاه |
| ۴۵۵ | همایون‌شاه و پذیرش مذهب شیعه |
| ۴۵۶ | همایون‌شاه و مذهب شیعه |
| ۴۶۱ | توافقی‌های شاه تهماسب و همایون‌شاه |
| ۴۶۳ | همایون‌شاه و ترک ایران |
| ۴۶۷ | فتح قندهار |
| ۴۷۱ | انگیزه‌های بیرون راندن قزلباشان از قندهار |
| ۴۷۴ | تصرف قندهار توسط همایون‌شاه |
| ۴۷۷ | رابطه همایون‌شاه با شاه تهماسب پس از تصرف قندهار |

بخش پنجم

شاه تهماسب و دشواریهای داخلی

فصل اول: سرکشیه‌ها و شورشها

| | |
|-----|----------------------------|
| ۵۰۳ | سرکشی حاکم بغداد |
| ۵۰۶ | سرکشی سام‌میرزا |
| ۵۱۴ | سرکشی خواجه کلان خوافی |
| ۵۱۵ | سرکشی محمد صالح بتکچی |
| ۵۱۷ | سرکشی حاکم شوستر |
| ۵۱۷ | سرکشی ملک جهانگیر رستم‌دار |

| | |
|-----|--------------------------|
| ۵۱۸ | شورش ابای ترکمان |
| ۵۲۱ | سرکشی حکمران دزفول |
| ۵۲۲ | زندانی شدن اسماعیل میرزا |
| ۵۳۱ | سرکشی حاکم خراسان |
| ۵۳۳ | کردان و شاه تهماسب |

فصل دوم: شورش گیلانیان

| | |
|-----|--|
| ۵۵۳ | سرکشی مظفرسلطان فرمانروای بیه پس گیلان |
| ۵۵۹ | کشته شدن مظفرسلطان |
| ۵۶۱ | سرکشی خان‌احمد فرمانروای بیه پیش گیلان |
| ۵۶۱ | فرمانروایی درویشان کارکیا در بیه پیش گیلان |
| ۵۶۳ | شورش خان‌احمد گیلانی |
| ۵۶۹ | نامه تهدیدآمیز شاه تهماسب به خان‌احمد |
| ۵۷۳ | پاسخ خان‌احمد به نامه شاه تهماسب |
| ۵۷۴ | دستگیری خان‌احمد |
| ۵۷۹ | شورش مردم لاهیجان |

فصل سوم: شورش مردم تبریز

بخش ششم

کشورداری شاه تهماسب

فصل اول: سیاست داخلی

| | |
|-----|--|
| ۶۰۷ | شاه تهماسب و مذهب |
| ۶۰۷ | باده‌گساری و عشرت‌جویی |
| ۶۰۹ | توبه شاه تهماسب |
| ۶۱۳ | انگیزه‌های توبه شاه تهماسب |
| ۶۱۳ | ۱- ادعای کاذب خویشاوندی به خاندان امامت شیعیان |

| | |
|-----|------------------------------|
| ۶۱۷ | ۲- نگرانی از امیران قزلباش |
| ۶۱۸ | ۳- اعتقاد مذهبی |
| ۶۲۰ | دعوت عالمان مذهبی عرب |
| ۶۲۵ | ضعف قدرت پادشاهی |
| ۶۲۸ | تمایل به کاهش قدرت قزلباشان |
| ۶۳۰ | گرجیان، قدرت مهم اجتماعی |
| ۶۳۲ | تشکیل سپاه کوچک قورچیان شاهی |
| ۶۳۶ | موقعیت ایرانیان |
| ۶۴۰ | وزیران شاه تهماسب |
| ۶۴۵ | صدر |
| ۶۴۷ | قاضی |

فصل دوم: رویه‌های کشورداری

| | |
|-----|-------------------------|
| ۶۷۱ | ۱- فروش مقامها |
| ۶۷۵ | ۲- حرمسرا |
| ۶۷۷ | ۳- بدگمانی و ترس |
| ۶۷۸ | ۴- حاکمان محلی |
| ۶۸۲ | ۵- تشکیل شورا |
| ۶۸۴ | ۶- آیین‌نامه شاه تهماسب |
| ۶۸۶ | ۷- سجع مهر شاه تهماسب |

فصل سوم: شاه تهماسب و مردم

فصل چهارم: انتقال پایتخت به قزوین

فصل پنجم: سیاست خارجی شاه تهماسب

| | |
|-----|----------------------------|
| ۷۲۵ | شاه تهماسب و عثمانی |
| ۷۳۲ | شاه تهماسب و هند |
| ۷۳۸ | شاه تهماسب و فرمانروای سند |

| | |
|-----|------------------------------|
| ۷۳۹ | شاه تهماسب و فرمانروایان دکن |
| ۷۴۱ | شاه تهماسب و پرتغال |
| ۷۴۵ | شاه تهماسب و انگلستان |
| ۷۵۶ | شاه تهماسب و جمهوری ونیز |

بخش هفتم

سالهای پایانی شاه تهماسب

فصل اول: شاه تهماسب در ناتوانی

| | |
|-----|--|
| ۷۷۱ | بیماری شاه تهماسب و اختلاف سران قزلباش |
| ۷۷۷ | مرگ شاه تهماسب |
| ۷۸۵ | پیامدهای بی‌درنگ مرگ شاه تهماسب |

فصل دوم: ارزیابی شاه تهماسب

| | |
|-----|---------------------------------------|
| ۸۰۵ | ۱- روشهای دوگانه در حفظ مقام پادشاهی |
| ۸۰۹ | ۲- تعصب مذهبی |
| ۸۱۹ | رؤیای صادقه |
| ۸۲۳ | تقرّب سادات |
| ۸۲۹ | قدرت برتر عالمان مذهبی |
| ۸۳۳ | دین و حکومت |
| ۸۳۸ | رواج بیشتر خرافات |
| ۸۴۳ | دگرگونی قزلباشیگری به شیعیگری |
| ۸۴۶ | عاملهای دگرگونی قزلباشیگری به شیعیگری |
| ۸۴۶ | ۱- شاه تهماسب |
| ۸۴۹ | ۲- سران قزلباش |
| ۸۵۰ | ۳- عالمان مذهبی |
| ۸۵۳ | شکست سیاست مذهبی شاه تهماسب |
| ۸۵۹ | چند عنوان |

| | |
|---|---|
| ۲۳۶ | صلح آماسیه - پایان جنگهای بیست ساله |
| ۲۳۷ | اهمیت پیمان آماسیه |
| ۲۴۳ | علاقه شاه تهماسب به حفظ صلح با عثمانی |
| ۲۴۴ | نامه محمد میرزا به رستم پاشا وزیراعظم عثمانی |
| ۲۴۶ | نامه لله محمد میرزا به رستم پاشا |
| ۲۴۷ | پاسخ رستم پاشا به محمد میرزا |
| ۲۴۷ | علاقه سلطان سلیمان به حفظ صلح با ایران |
| فصل سوم: پناهندگی سلطان بایزید به ایران | |
| ۲۹۳ | اختلاف سلطان بایزید با سلطان سلیمان و شاهزاده سلیم |
| ۳۰۰ | پناهندگی سلطان بایزید به ایران |
| ۳۰۳ | واکنشهای عثمانی درباره پناهندگی بایزید |
| ۳۰۵ | بایزید از ایروان تا قزوین |
| ۳۰۸ | تبادل نامه‌ها بین ایران و عثمانی |
| ۳۰۸ | نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان |
| ۳۰۹ | نامه شاه تهماسب به سلطان سلیم |
| ۳۱۰ | نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب |
| ۳۱۲ | سلطان بایزید در قزوین |
| ۳۱۵ | زندانی شدن بایزید |
| ۳۱۸ | ادامه تبادل نامه‌ها بین ایران و عثمانی |
| ۳۲۱ | نارضایتی سلطان سلیمان از تأخیر شاه تهماسب در تسلیم بایزید |
| ۳۲۴ | شاه تهماسب و تقاضای ارضی |
| ۳۲۶ | نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان |
| ۳۲۸ | نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب و پاسخ آن |
| ۳۳۰ | نامه امیران قزلباش به بزرگان عثمانی و پاسخ آن |
| ۳۳۳ | شاه تهماسب و تقاضای «جایزه و جلدو» |
| ۳۳۵ | تحویل بایزید و پسران و کشته شدن آنان |
| ۳۳۷ | پرداخت «جایزه و جلدو» به شاه تهماسب |
| ۳۳۹ | واکنشها و اظهارنظرها درباره قتل بایزید |

فصل چهارم: شاه تهماسب و سایر پادشاهان عثمانی

| | |
|-----|---|
| ۳۵۹ | شاه تهماسب و سلطان سلیم دوم |
| ۳۶۴ | کشته شدن معصوم‌بیک صفوی به دستور سلطان سلیم دوم |
| ۳۶۵ | شاه تهماسب و پیشنهاد جمهوری ونیز برای اتحاد نظامی |
| ۳۶۷ | شاه تهماسب و سلطان مراد سوم |

بخش سوم

کشورگشایی شاه تهماسب

فصل اول: فتح ولایتها

| | |
|-----|------------|
| ۳۷۵ | فتح قندهار |
| ۳۷۷ | فتح شروان |
| ۳۸۰ | فتح شکی |
| ۳۸۱ | فتح سیستان |

فصل دوم: حمله‌های مکرر به گرجستان

بخش چهارم

شاه تهماسب و همایون‌شاه

فصل اول: همایون‌شاه پیش از دیدار با شاه تهماسب

| | |
|-----|---|
| ۴۰۳ | همایون پیش از پناهندگی به ایران |
| ۴۱۰ | نامه همایون‌شاه به شاه تهماسب |
| ۴۱۱ | همایون‌شاه در سیستان |
| ۴۱۳ | نامه شاه تهماسب به همایون‌شاه |
| ۴۱۶ | فرمان شاه تهماسب درباره پذیرایی از همایون‌شاه |